

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی بخش الهیات

گروه علوم قرآن و حدیث

عنوان پایان نامه

خردورزی و عقلانیت در نهج البلاغه

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته نهج البلاغه گرایش اصول دین و معارف علوی

مؤلف

مریم عصاره

استاد راهنما

سید یوسف محفوظی موسوی

پاییز ۱۳۸۶

۹۵۵۱۹

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱

کتابخانه مرکزی دانشگاه پیام نور

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان : خردورزی و عقلانیت در نهج البلاغه

که توسط مریم عضاده تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد.

تاریخ دفاع :

نمره :

درجه ارزشیابی :

اعضای هیات داوران :

امضاء

مرتبه علمی

هیات داوران

نام و نام خانوادگی

استاد راهنما

۱- سید یوسف محفوظی

استاد راهنمای همکار یا مشاور

۲- مصطفی دلشاد تهرانی

استاد ممتحن

۳-

نماینده گروه آموزشی

۴-

تقدیم :

خسته ام از این کویر، این کویر کور و پیر
این هبوط بی دلیل ، این سقوط ناگزیر
آسمان بی هدف، بادهای بی طرف
ابرهای سربه راه ، بیدهای سربه زیر
ای نظاره شگفت، ای نگاه ناگهان
ای همواره در نظره ای هنوز بی نظیر
آیه آیه ات صریح، سوره سوره ات فصیح
مثل خطی از هبوط، مثل سطری از کویر
مثل شعر، ناگهان ، مثل گریه ، بی امان
مثل لمظه های ومی ، اجتناب ناپذیر.

قیصر امین پور

تقدیم به روح بلند همو که تاریخ بشریت مدیون اوست

و تقدیم به گل زهرا(س) ، همو که برای فرجش

چشم انتظار یاری ماست.

تقدیر و تشکر :

با تشکر و سپاس از کسانی که مرا در این راه یاری دادند خصوصاً

استاد راهنمای گرامی جناب آقای دکتر محفوظی موسوی و استاد

مشاور گرامی ، جناب آقای دکتر دلشاد تهرانی و خانواده عزیزه .

امیدوارم که این تلاش ناچیز مورد رضای خداوند قرار گیرد.

نام خانوادگی دانشجو: عصاره نام: مریم

عنوان پایان نامه: خردورزی و عقلانیت در نهج البلاغه

استاد راهنما: دکتر سید یوسف محفوظی موسوی

استاد مشاور: دکتر مصطفی دلشاد تهرانی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: نهج البلاغه گرایش اصول دین و معارف علوی

دانشگاه: پیام نور

دانشکده: علوم انسانی بخش الهیات

تاریخ فارغ التحصیلی: تعداد صفحه:

کلید واژه ها: عقل، خردورزی، نهج البلاغه

چکیده:

مبحث «عقل» و تعاریف مختلف آن و حدود و مرزهای آن، و میزان پیروی و متابعت از آن، موضوعاتی هستند که همواره در طول تاریخ بین تمام گروهها و نحله‌های فکری مطرح بوده است و نتایج متفاوتی را در بر داشته است.

هدف از این پژوهش، شناخت واقع‌گرایانه‌ای از عقل و سپس کاربردی کردن آن اصول شناختی برای حصول زندگی سعادت‌مندانه و کمال انسانی است که این به کارگیری عقل در تمام زوایای زندگی انسان همان خردورزی یا عقلانیت است. آنچه که قابل کتمان نیست، این است که اسلام تنها آیینی است که نه تنها به عقل به عنوان آفریده‌ای با موجودیت نورانی احترام می‌گذارد بلکه انسانها را مؤکداً به پیروی از اصول عقلی و خردمندی تشویق می‌نماید، و پذیرش دین و آیین را در وهله اول منوط به پذیرش خردمندانه آن از سوی عقل می‌داند. این مفهوم چه در بعد شناختی و چه در بعد ارزشی - پس از قرآن - در جای جای نهج‌البلاغه مفهوم واقعی خود را می‌نمایاند. برای پی‌گیری چنین موضوعی که هم بار شناختی دارد و هم ارزشی، بنای کار، بر تعریف عقل و ارتباط خردورزی با دیگر موضوعات مرتبط با این مسئله گذاشته شد که در زمینه تعریف عقل می‌توان گفت: عقل بر قوه‌ای اطلاق می‌شود که حقایق هستی و الهی را درک می‌کند و انسان را در بعد نظری از جهل می‌رهاند؛ و در بعد عملی، آدمی را از افتادن در ورطه زشتیها و اعمال ناپسند باز می‌دارد. از دیدگاه اسلام، عقل این توانایی را دارد که حق را از باطل تمییز دهد و راهنمای انسان به سوی کمال مطلوب خود باشد. در این زمینه ضرورت بررسی ارتباط شناختی عقل با مواردی همچون علم و حکمت در فهم کارآیی عقل، مهم به نظر می‌رسید، و از طرفی اثرگذاری و ربط عقل و خردورزی با مسائلی همچون تجربه، اخلاق، تقوی، دین و وحی ضروری به نظر می‌آمد.

این مسائل همگی با وجود دخالت عقل به کمال خود می‌رسند و از سویی، تمام این موضوعات نیز به نوبه خود به کارکرد عقل - چه از جنبه شناختی و چه از جنبه ارزشی - کمک می‌رسانند. به عبارت دیگر، روابط عقل با این موارد؛ ارتباطی دوسویه و طرفینی است. علاوه بر این هر چیزی برای رشد و شکوفایی نیاز به کمک و تقویت دارد، موضوع عقل نیز از این قاعده خارج نیست. عوامل تقویت کننده آن در مسیر شناخت

و تشخیص درست، مواردی از قبیل وحی، امام معصوم(ع)، و بصیرت به شمار می‌آیند که هر کدام به نوعی در مسیر کمال بخشی عقل مؤثر هستند. در زمینه مباحث شناختی عقل می‌توان مهمترین نمونه را شناخت عقلی خداوند عنوان کرد که در نهج‌البلاغه بسیار از این مورد سخن به میان آمده است و علاوه بر نشان دادن راههای شناخت عقلی خداوند توسط براهین مختلف امام (ع) حدو حدود و مرزهای عقل را در این رابطه، تبیین نموده است. علاوه بر بررسی این موضوع، در زمینه عقل نظری و شناختی، مباحثی از قبیل فلسفه بعثت انبیاء و موضوع معادشناسی نیز در نهج‌البلاغه در این پژوهش مطرح شده است.

نکته حائز اهمیت در این پژوهش، شناخت عقل و مواضع آن به سبب کاربردی کردن آن مواضع است که هدف اصلی به شمار می‌آید. یعنی تبیین راه و روش خردورزی تحت عنوان تربیت عقلانی. نمونه عینی این نوع تربیت، انسان خردمند است؛ از این رو، لازم بود که در شناسایی این مسیر و تبیین اصول خردمندی و ویژگیهای آنها تلاشی صورت گیرد که این کار، بیشتر با توجه به سخنان امام علی(ع) خصوصاً در نهج‌البلاغه، و با توجه به قرآن کریم و دیگر روایات معصومین (ع) صورت گرفت. از آنجا که آموزه‌های فرهنگ اسلامی مطرح شده در آیات و روایات، گویای آن است که منطق صحیح در برخورد با دین و دنیا رویکردی وجودی و عینی بوده و کلید کاربردی کردن آموزه‌های دینی همین نکته است، بر این اساس، برای وارد کردن نهج‌البلاغه به زندگی مردم باید به جنبه‌های عینی آن بیشتر توجه کرد و واقع‌گرایانه به آنها نگریست. برای این منظور در فصل سوم این پژوهش راهکارهای عملی و خردمندانه امام علی(ع) را که به واقع‌حوادثی بس دشوار و درس آموز هستند و پس از رحلت پیامبر (ص) در مدت زمانی قریب ۳۰ سال روی داده است؛ به نقل از نهج‌البلاغه و زبان گویای خود ایشان به بحث گذاشته شد که آغاز بحث و شروع آن بر محورهای عقلانی این رفتارهای علوی همچون عدالت محوری، حق‌مداری و حق‌طلبی، قاطعیت و عدم تساهل در انجام اصلاحات و حفظ اصول، اصلاح نظام فکری و فرهنگ عمومی، اصلاح نظام رهبری و مدیریت، حفظ وحدت مسلمین و غیره که عمدتاً سیاسی بودند، متمرکز بود. سپس با تقسیم دوره‌های زمانی مختلف، به صورت جداگانه به بررسی عوامل و شرایط و زمینه‌های آن دوران از قبیل موضع‌گیریهای خردمندانه امام (ع) در برابر سقیفه، نگرشی بر رفتارهای علوی در رویارویی با خلفا، نمونه‌هایی از مشاوره و نصیحت امام علی(ع) به ابوبکر و مشاوره‌های ایشان به عمر، و چگونگی رفتارهای علوی در برابر عثمان و نیز خردورزی در سیاست علوی پس از خلافت، دیدگاه و رویارویی خردمندانه امام(ع) با ناکشین، قاسطین، مارقین پرداخته شد.

پس از این بحث و در خاتمه به نظر می‌آمد که لازم است مبحثی تحت عنوان، موانع و آسیب‌شناسی عقل مطرح شود که به جهت وسعت این بحث و محدودیت‌هایی که این پژوهش داشت، تمام موارد و موانع بررسی نشدند لذا به تعدادی از مهمترین این عوامل با ذکر احادیثی در این رابطه پرداخته‌ایم که عبارتند از: هوی و هوس، خشم و غضب، عجب و خودپسندی، تعصب و لجاجت، آرزوهای دورو دراز، فخر و تهیدستی. هرچند برخی از این عوامل در مباحث قبلی بنا به ضرورت با عناوین مشابهی از قبیل دنیازدگی، هواهای نفسانی و غیره بررسی شده بودند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	کلیات
۵	۱- سخن آغازین
۵	۲- اهمیت و ضرورت بحث و تحقیق در مورد موضوع عقل
۷	۳- اهداف تحقیق
۹	۴- عقل از منظر قرآن
۱۰	۴-۱- دیدگاه قرآن در زمینه تعقل
۱۳	۴-۲- تعبیر قرآن از عقل
۱۳	۵- ارزش گذاری "عقل" در روایات معصومین (علیهم السلام)
۱۳	۵-۱- عقل حجت درونی و بالاترین نعمت
۱۴	۵-۲- "عقل" وسیله هدایت و شناخت
۱۶	۵-۳- "عقل" میزان سنجش اعمال و پاداش و کیفر
۱۸	۶- عقل از نظر معنای لغوی
۲۰	۷- تعریف انواع "عقل" از دیدگاه اصطلاحی
۲۱	۸- پیشینه تحقیق
	فصل اول: عقل در نگاه تعاریف و دیدگاه‌های مختلف به همراه تصویری از روابط ضروری عقل با دیگر موضوعات
۲۴	۱- عقل در طول تاریخ
۲۵	۱-۱- مسلمانان و مکتب اصالت عقل

- ۲۸ ۲- تفاوت عقلها
- ۲۸ ۱-۲- عقل طبیعی و عقل اکتسابی
- ۲۹ ۱-۱-۲- علم و تجربه عامل فزونی و شکوفایی عقل
- ۲۹ ۲-۱-۲- نگاهی کلی به نقش تجربه و ارتباط آن با عقل در نهج البلاغه
- ۳۱ ۳-۱-۲- موانع و محدودیتهای تجربه‌ی حسی
- ۳۴ ۴-۱-۲- نتیجه‌گیری بحث عقل و تجربه
- ۳۵ ۳- تعریف و مفهوم عقل نظری و عقل عملی
- ۳۶ ۱-۳- عقل نظری و جهان بینی
- ۳۶ ۱-۱-۳- عقل نظری یا هست ها و نیست ها از دیدگاه نهج البلاغه
- ۴۰ ۲-۳- رابطه‌ی هست ها و بایدها از منظر نهج البلاغه
- ۴۲ ۳-۳- سخن پایانی در مرزبندی دو حوزه عقل نظری و عقل عملی
- ۴۴ ۴- عقلانیت در زندگی
- ۴۴ ۴-۱- رابطه عقلانیت با عقل نظری و عقل عملی
- ۴۴ ۲-۴- عقلانیت ، وجه تمایز انسان و حیوان
- ۴۵ ۳-۴- مراحل فعالیت عقلانی
- ۴۵ ۵- عقلانیت و روابط آن با دیگر موضوعات
- ۴۶ ۱-۵- تقوی و عقل
- ۴۸ ۱-۱-۵- هماهنگی مفهومی بین عقل و تقوی از دیدگاه نهج البلاغه
- ۴۹ ۲-۱-۵- تقوی و عقل عملی از دیدگاه شهید مطهری
- ۵۰ ۶- رابطه عقل و اخلاق
- ۵۰ ۱-۶- تعریف اخلاق
- ۵۲ ۶-۱-۱- حسن و قبح عقلی و شرعی

- ۵۳ ۲-۶- کارکرد عقل در شناخت بد و خوب
- ۵۳ ۳-۶- قابلیت تبیین عقلانی بودن نظام اخلاقی در اسلام
- ۵۴ ۴-۶- رابطه عقل و اخلاق در نهج البلاغه و روایات
- ۵۵ ۵-۶- رابطه عقل و اخلاق در روایات
- ۵۷ ۷- ارتباط عقل و دین
- ۵۷ ۱-۷- دیدگاه گروه های مختلف در رابطه با کارآیی عقل در قلمرو دین
- ۵۸ ۲-۷- مقایسه نقش عقل در دین از منظر حضرت علی(ع) با دیگر مکتب ها
- ۶۰ ۳-۷- نتیجه بحث عقل و دین
- ۶۱ ۴-۷- مفهوم عقلانی بودن دین
- ۶۲ ۵-۷- ارتباط وحی و عقل
- ۶۳ ۷-۵-۱- آیا عقل می تواند عهده دار برنامه همه جانبه ای برای سعادت انسان باشد؟

فصل دوم : دورنمایی از مباحث شناختی و ارزشی در کلام امیربیان.

- ۶۴ ۱- مبادی و اسباب شناخت معارف عقلی
- ۶۴ ۱-۱- عقل ، علم ، حکمت
- ۶۵ ۱-۱-۱- علم و خرد
- ۶۸ ۱-۱-۲- حکمت و خرد
- ۷۲ ۲- منابع شناخت در وجود انسان
- ۷۴ ۱-۲- شناخت عقلی از دیدگاه روایات
- ۷۶ ۱-۱-۲- عوامل رشد و تعالی عقل
- ۷۸ ۲-۱-۱-۲- امام و پیشوا
- ۸۱ ۲-۱-۱-۳- بصیرت
- ۸۳ ۳- پیش درآمد بحث "عقل" ، منبعی برای خداشناسی

- ۱-۳- تفکّر و تدبیر ابزاری برای تعقل و خردورزی ۸۳
- ۲-۳- قلمرو و حیثه "عقل" در خداشناسی از منظر امام علی(ع) ۸۵
- ۱-۲-۳- آیا اصولاً برای عقل راهی جهت شناخت خدا وجود دارد؟ ۸۵
- ۱-۲-۳- امکان شناخت عقلی خداوند به نقل از روایات ۸۶
- ۳-۳- احادیث مبنی بر ممنوعیت و محدودیت شناخت عقلی خداوند ۸۹
- ۱-۳-۳- محدودیت های "عقل" در نهج البلاغه ۹۱
- ۲-۳-۳- گوشه ای از براهین عقلی در خداشناسی از منظر نهج البلاغه ۹۴
- ۳-۳-۳- راهیابی مسیر خداشناسی از طریق خلقت به روایت امام خمینی(ره) ۹۸
- ۴- تبیین مفهوم تربیت عقلانی ۱۰۱
- ۱-۴- اهداف تربیت عقلانی ۱۰۴
- ۱-۱-۴- خودشناسی ۱۰۴
- ۲-۱-۴- تزکیه و خودسازی ۱۰۷
- ۳-۱-۴- مقام قرب الهی و بندگی خداوند ۱۱۰
- ۴-۱-۴- آخرت گرایی و دوری از وابستگی به دنیا ۱۱۴
- ۵-۱-۴- حرّیت و آزادگی انسان ۱۱۹
- ۶- خردمندان مظهر عینی تربیت عقلانی ۱۲۳
- ۱-۶- انسان خردمند و خداوند ۱۲۵
- ۲-۶- خردمند و دیگران (مردم) ۱۲۷
- ۳-۶- خردمندی انسان در ارتباط با خودش ۱۳۷
- فصل سوم: رفتارهای علوی در آیین خردورزی و آسیب شناسی عقل از منظر نهج البلاغه**
- ۱- نقش شخصیت علی (ع) در رفتارهای عقلانی ۱۴۶
- ۲- محورهای عقلانی رفتارهای سیاسی از منظر علی (ع) ۱۵۰

- ۱-۲- عدالت محوری ۱۵۰
- ۲-۲- حق مداری و حق طلبی ۱۵۴
- ۱-۲-۲- معیار حق از منظر علی (ع) ۱۵۴
- ۱-۱-۲-۲- راه مستقیم گذرگاه حق ۱۵۵
- ۲-۱-۲-۲- اسلام پایه و اساس حق ۱۵۵
- ۳-۱-۲-۲- پیامبر اکرم (ص) مظهر کامل حق ۱۵۶
- ۴-۱-۲-۲- قرآن اساسنامه حق ۱۵۶
- ۵-۱-۲-۲- اهل بیت تبیین کننده حق ۱۵۷
- ۲-۲-۲- حقوق شناسی راهی برای جلوگیری از ستم و ستمگری در جامعه ۱۶۱
- ۳-۲- قاطعیت و عدم تساهل در انجام اصلاحات و حفظ اصول ۱۶۳
- ۱-۳-۲- اصلاح نظام فکری و فرهنگ عمومی ۱۶۶
- ۲-۳-۲- اصلاح نظام رهبری و مدیریت ۱۶۸
- ۴-۲- حفظ وحدت مسلمین ۱۶۹
- ۳- رفتارهای علوی مبتنی بر خردورزی در حوادث پس از رحلت پیامبر (ص) ۱۷۲
- ۱-۳- موضع گیریهای خردمندانه امام علی (ع) در برابر سقیفه ۱۷۲
- ۲-۳- نگاهی به رفتارهای علوی در رویارویی با خلفا ۱۸۰
- ۱-۲-۳- نمونه هایی از مشاوره و نصیحت امام علی (ع) به ابوبکر ۱۸۸
- ۲-۲-۳- مشاوره ها و نصایح امام علی (ع) به عمر ۱۸۹
- ۳-۲-۳- چگونگی رفتارهای علوی در برابر عثمان ۱۹۰
- ۳-۳- خردورزی در سیاست علوی پس از خلافت ۱۹۲
- ۴-۳- مخالفان حکومت و خلافت امام (ع) ۱۹۵
- ۱-۴-۳- پیمان شکنان (اصحاب جمل) ۱۹۶

- ۱۹۷ ۳-۴-۱-۱- طلحه و زبیر بهانه‌های آنها برای آشوب از دیدگاه نهج البلاغه
- ۲۰۰ ۳-۴-۲- رویارویی علی (ع) با قاسطین از منظر نهج البلاغه
- ۲۰۵ ۳-۴-۳- مواضع خردمندانه امام (ع) در برابر خوارج
- ۲۰۶ ۳-۴-۳-۱- توصیف خوارج در نهج البلاغه
- ۲۰۷ ۳-۳-۲- علل بروز و ظهور خوارج

فصل چهارم: آسیب شناسی عقل

- ۲۱۰ ۴- اهمیت بحث آسیب شناسی عقل
- ۲۱۱ ۴-۱- موانع عقل
- ۲۱۱ ۴-۱-۱- هوی و هوس
- ۲۱۳ ۴-۱-۲- خشم و غضب
- ۲۱۴ ۴-۱-۳- عجب و خودپسندی
- ۲۱۵ ۴-۱-۴- تعصب و لجاجت
- ۲۱۷ ۴-۱-۵- آرزوهای دور و دراز
- ۲۱۸ ۴-۱-۶- فقر و تهیدستی

نتیجه گیری

منابع و مأخذ

۳-۴-۱-۱- طلحه و زبیر بهانه‌های آنها برای آشوب از دیدگاه نهج البلاغه

۳-۴-۲- رویارویی علی (ع) با قاسطین از منظر نهج البلاغه

۳-۴-۳- مواضع خردمندانه امام (ع) در برابر خوارج

۳-۴-۳-۱- توصیف خوارج در نهج البلاغه

۳-۴-۳-۲- علل بروز و ظهور خوارج

۴- اهمیت بحث آسیب شناسی عقل

۴-۱- موانع عقل

۴-۱-۱- هوی و هوس

۴-۱-۲- خشم و غضب

۴-۱-۳- عجب و خودپسندی

۴-۱-۴- تعصب و لجاجت

۴-۱-۵- آرزوهای دور و دراز

۴-۱-۶- فقر و تهیدستی

نتیجه گیری

منابع و مأخذ

مهمترین انگیزه و عاملی که سبب شد تا نهج‌البلاغه را به طور علمی و به عنوان رشته درسی انتخاب کنم، شگفتی و حیرتی بود که همواره پس از مطالعه گوشه‌ایی از سخنان نهج‌البلاغه به من دست می‌داد به شکلی که تا مدت‌ها در دنیای دیگری سیر می‌کردم و غرق در زیبایی و عمق گفتار حضرت می‌شدم. مطلب مهم‌تر اینکه تمام این زیباییها و عظمتها در یک جنبه و یک بعد خلاصه نمی‌شد بلکه امام(ع) به جهت همه جانبه بودن ابعاد وجودیشان در تمام مسائل مادی و معنوی مورد نیاز انسانها- چه فردی و چه اجتماعی- و حتی در جزئی‌ترین مسائل مربوط به انسانها رهنمود و راهکار دارند. از طرف دیگر فرمایشات امام(ع) و دستورالعمل‌های ایشان همه بر اساس شناختی مطابق با واقع و از عمق وجود انسانی والا نشأت گرفته‌اند. این سخنان همه، پیام شخصی است که پس از رسول خدا(ص) کامل‌ترین انسان و برترین مخلوق خداوند است و کسی که به تمام معنای ساختار وجودی انسان اشراف کامل دارد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که این سخنان و رهنمودها نه تنها دور از دسترس و یا خیالی نیستند بلکه بر اساس اصول واقعی و حقیقی بنا شده‌اند.

بر این اساس، تمام انسانهایی که می‌خواهند در مسیر کمال حقیقی قدم بردارند و صراط مستقیم را برگزیده‌اند، باید پس از پیش‌رو قرار دادن قرآن، به سوی این کتاب الهی نیز روی آورند زیرا نهج‌البلاغه به حق ترجمان قرآن و اسلام حقیقی است چرا که در همه عرصه‌های حیات مادی و معنوی انسان، نه تنها سخنی برای گفتن؛ که الگویی برای عمل دارد! در زمینه عظمت و اعجاز در بلاغت و زیبایی و شیوایی کلام در نهج‌البلاغه سخن بسیار گفته شده است که شناخت مختصری از شخصیت علی (ع) فهم و درک این نکته را بسیار آسان می‌نماید. نتیجه اینکه نهج‌البلاغه، مجموعه‌ای از زیبایی‌ها، بلاغت و پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی را به طور جامع در خود جمع کرده است لذا می‌توان آن را به گلستانی از گل‌های خوشبویی تشبیه کرد که چنانچه مجالی برای بوییدن باشد، هر کدام از آنها لطف و صفای خاص خود را دارند.

در تحقیق حاضر سعی و تلاش شده است که در مورد موضوعی با ابعاد شناختی و ارزشی و بر اساس کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه و سخنان امام علی(ع) بررسی و جستجوی صورت گیرد. این موضوع که تحت عنوان «عقلانیت و خردورزی در نهج‌البلاغه» مطرح شده، یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مسائل انسانی است زیرا بر اساس سرمایه بزرگی به نام «عقل» بر پا شده است. بر اساس آنچه که از مضمون متون و منابع قرآنی و روایی برداشت می‌شود، عقل می‌تواند بزرگترین سرمایه انسان در زندگی برای طی کردن مسیر کمال- چه در حیات دنیوی و چه در حیات اخروی- باشد.

«عقل» نعمتی است که بوسیله آن، خوب و بد، زشت و زیبا و حق و باطل را می‌توان تشخیص داد، و اگر انسان آن را در زندگی به کار برد که در اصل همان موضوع خردورزی مورد بحث ماست، نگاه درستی نسبت به زندگی، محیط اطراف و خلقت به او می‌دهد که به دنبال آن، اعمال و رفتار عاقلانه‌ای در رابطه با خدا، خود و جهان اطراف خود از فرد صادر خواهد شد. و در نتیجه سعادت دنیا و آخرت را از آن خود می‌کند. بر این اساس، پژوهش همه جانبه به قصد دریافت این اهداف، کار چندان آسانی نخواهد بود به جهت اینکه هم منبع (نهج‌البلاغه) دارای جامعیت موضوعی است و هم خود موضوع دارای ابعاد مختلف و گوناگونی است لذا این پژوهش در حد بضاعت پژوهشگر تدوین شده است.

پیش از معرفی فصل‌های مختلف تحقیق، ذکر این نکته ضروری است که قصد اصلی پژوهشگر در پژوهش حاضر، بیشتر معطوف به بررسی مباحث عملی و ارزشی عقل و خرد (خردورزی) در بعد عملی آن بوده است زیرا هدف، توجه کردن به جهتی بوده است که نشانگر تلاش امام علی (ع) در راستای سوق دادن مردم به سوی شناخت عقل و خرد خویش، و نیز استفاده عملی از آن در تمام عرصه‌های زندگی باشد، همانگونه که رفتارهای خود ایشان در آیینه نهج‌البلاغه کاملاً بیانگر این تلاش است.

در همین راستا، در کلیات تحقیق، مواردی از قبیل اهمیت و اهداف تحقیق بیان شد. سپس تعریف عقل از دیدگاه قرآن و ارزش‌گذاری عقل از منظر روایات، و نیز پیشینه تحقیق و تعاریف عقل به جهت لغوی و اصطلاحی آن بررسی شد. در فصل اول بیشترین تلاش در این مسیر بوده است که شناخت واقع‌گرایانه‌ای از عقل از لابلای دیدگاه‌های مختلف و تعاریف گوناگون به دست آید سپس روابط اساسی و اثرگذار عقل را با دیگر موضوعات مهم و حساسی همچون عقل و تجربه، عقل و تقوی، عقل و اخلاق، عقل و دین و عقل و وحی به بحث بگذاریم. این اثرگذاریها را بیشتر با استفاده از فرازهایی نورانی از نهج‌البلاغه و استمداد از احادیث معصومین دیگر (علیهم السلام) مشخص ساخته شده است.

نکته‌ای در مورد اهمیت مباحث مطرح شده در این فصل لازم به ذکر است و آن اینکه، موضوعات عقلی همواره مورد توجه بوده‌اند، هم اکنون نیز به جهت رشد برخی عوامل همچون علم و صنعت و عدم رشد برخی مسائل همچون امور معنوی، این مباحث دارای اهمیت هستند. در فصل دوم به بحث‌هایی در مورد مسائل شناختی و ارزشی در نهج‌البلاغه پرداخته می‌شود. از آنجا که «عقل» یکی از مهمترین مبادی شناخت به شمار می‌رود، آن را به این عنوان، یعنی منبع شناخت از دیدگاه نهج‌البلاغه و دیگر احادیث معصومین (علیهم السلام) به بحث گذاشته‌ایم. علاوه بر این، اثرات متقابل عواملی همچون علم و حکمت را در خرد بررسی کردیم سپس عوامل تقویت کننده عقل را و بالاخره در پایان این بخش، حد و حدود و قلمرو و حیطه عقل در خدانشناسی را به عنوان گوشه‌ای از مباحث شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه این فصل، مبحث تربیت عقلانی و اهداف آن را به عنوان الگوی ارزشی مفاهیم عقلی مورد بحث قرار گرفت که در

ویژگیهای خردمندان در قالب عقل به عنوان مظهر این نوع تربیت منتهی گردید. در فصل سوم که تکمیل کننده فصل‌ها و مباحث قبل می‌باشد، بصورتی بسیار روشن و گویا به ذکر رفتارهای خردمندان امام علی(ع) از زبان خود ایشان در نهج‌البلاغه در دوره سی ساله پس از رحلت پیامبر(ص) پرداخته‌ایم. این موارد، علاوه بر اینکه از جهت تاریخی مستند و محکم هستند، بسیار عبرت‌آموز و راهگشا هستند که در ضمن بررسی این مواضع به بیان محورهای عقلانی که چنین رفتارهایی از آنها نشأت می‌گیرد، نیز پرداخته شد. برای بررسی این رفتارها، به تبیین دیدگاهها و منش ایشان در برابر گروههای مختلف اشاره کردیم و در نهایت به دلیل اینکه شناخت هر موضوعی کامل نمی‌شود، مگر با شناخت آسیبها و موانع آن و سپس برطرف ساختن آنها، بر آن شدیم که گوشه‌ای از آسیبها و موانع عقلی را بررسی نماییم که متأسفانه بنا به محدودیت‌هایی، تنها به طرح مهمترین آنها بسنده کردیم. در آخر، ذکر این نکته را لازم می‌دانیم که چه بسا مباحث خردورزی و خردمندی در نهج‌البلاغه بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از این پژوهش باشد که قطعاً این چنین است لذا پژوهشگرانی که مایل به تحقیق در نهج‌البلاغه هستند، می‌توانند دامنه این نوع بحث‌ها را به مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مدیریتی و غیره بکشانند؟! چون طبیعتاً ما قادر نبوده و نیستیم که تمام این موضوعات را در این پژوهش به بحث بگذاریم. بلکه هدف، بیشتر فراسو قرار دادن بیان و تبیین اصول خردورزی و خردمندی - چه در عرصه نظری و چه در عرصه عملی - بوده است.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهشگر این پژوهش، با توجه به موضوع آن که جنبه نظری دارد، به شیوه‌ای کتابخانه‌ای بوده است. از طرفی، بیشترین سعی و تلاش بر آن بوده است که محوریت نهج‌البلاغه در مطرح کردن مباحث فراموش نشود ولی در کنار سخنان امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، از دیگر منابع اسلامی همانند قرآن کریم و کتب حدیث به جهت روشنگری و دریافت پیام سخنان مولی‌الموحدین، علی(ع) یاری جستیم.

کلیات

۱- سخن آغازین

به نظر می‌رسد پیش از آنکه وارد مبحث اصلی تحقیق که " عقلانیت و خرد ورزی " در نهج البلاغه است شویم ، در مورد محور این تحقیق یعنی عقل ، جستجوی اجمالی داشته باشیم سپس به بیان موضوع خود بپردازیم چرا که بررسی مسائلی نظیر اهمیت پرداختن به مبحث عقل ، تاریخچه مختصری از عقل در طول تاریخ ، عقل در قرآن و روایات ، انواع عقل ، معنای لغوی عقل و معنای اصطلاحی آن ، به صورت مختصر برای راهی که در پیش گرفته ایم کارگشا خواهد بود .

جستجوی این موضوع در نهج البلاغه که پس از قرآن ، کتاب زندگی ساز برای ما مسلمانان است، قطعاً نمی‌تواند جدای از منبع اصلی که همان اسلام و قرآن است ؛ معنی داشته باشد به همین جهت اگر ما مفهومی همچون عقل را از دیدگاه اسلام و قرآن و روایات دیگر معصومین (ع) بررسی کنیم به طور قطع به ما در فهم این موضوع در نهج البلاغه نیز کمک شایانی می‌شود.

از طرفی نهج البلاغه مجموعه ای است از تمام راهکارهای شناختی و ارزشی ؛ نظری و عملی ؛ علمی و عقلی و غیره به صورت فراگیر و کاربردی در همه زمینه های زندگی. این امر انگیزه ای برای پژوهشگر بود که این موضوع را در نهج البلاغه به بحث بگذارد ، هرچند به علت گستردگی مبحث مورد نظر و وسعت شاخه های آن از قبیل عقل نظری و عقل عملی و زیرشاخه های آنها که در تمام مباحث علمی ، کلامی ، فلسفی و غیره کاربرد دارند و در طول تاریخ همواره مورد توجه و بحث برانگیز بودند و نیز به علت گستردگی ، عمق و بلاغت نهج البلاغه که به شهادت اکثر علماء و دانشمندان - حتی غیر مسلمان - در طول تاریخ هم به جهت نوع مباحث و هم به جهت جامعیت شخصیت گوینده این سخنان ؛ نهج البلاغه پس از قرآن بی نظیر است و انجام تحقیقی وسیع و همه جانبه در مورد آن امکان پذیر نیست ولی با امید به لطف و توکل بر خدای بزرگ ، نویسنده قدم در این راه گذاشت و قصدش فقط رضا و پذیرش دوست است !

۲- اهمیت و ضرورت بحث و تحقیق در مورد مسئله عقل

اولین چیزی که این ضرورت را می‌نمایاند ، اهمیت دادن فوق العاده اسلام - چه در قرآن و چه در منابع روایی - به عقل گرایی و تشویق و پیروی از آن و استوار کردن تمام مراحل زندگی بر پایه آن ؛ و خلاصه محور قرار دادن عقل در تمام مراحل زندگی است. نگاهی اجمالی به آیات قرآن و منابع روایی ، نمود کاملاً واضحی از این ارزش گذاری و توجه به ما

نشان می دهد که تا آنجا پیش می رود که عقل را معیاری برای عمل و هدایت گری به سوی حیات سعادت‌مند اخروی می شمارند^۱.

علاوه بر این، " اصول عقلی " یک سری قواعد کلی و تاحدود زیادی فطری هستند که در تمام شئون ذهنی و فعلی انسان نفوذ دارند و تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی او را می توانند تحت کنترل خود قرار دهند و بر اساس تقسیم بندی های اکثر حکماء و متکلمین و فلاسفه که " عقل " را نظری و عملی می دانند^۲، می توان هم اصول شناختی و هم قوانین عملی زندگی را برپایه " عقل " بنا گذاشت تا تمام جزئیات و کلیات زندگی انسان را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد " تا آنجا که فقه شیعه، " عقل " را جزء منابع اجتهاد خود می شمرد و این " عقل " را، راه وسط میان جهل و جمود می داند و اگر " شیعه "، " عقل " را در استنباط و احکام دخالت می دهد به جهت آن است که آن را حجت خداوندی می داند و بر اساس سخن امام کاظم (ع) که فرمود، خدا دوتا حجت، دو تا پیغمبر دارد، پیغمبر ظاهر و پیغمبر باطن؛ عقل پیغمبر باطن است. در عین حالی که عقل حجت است ولی قیاس نیست. عقل قانون دارد و هر اظهار نظری را نمی شود حجت دانست. قانون استفاده از " عقل " این است که دنبال یقین برود، قرآن همین را گفته است، " لا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ " (تا یقین پیدا نکردی ای دنبال چیزی نرو)^۴ البته ناگفته نماند اسلام طرفدار عقلی است که به دور از آفاتی مانند تقلید از نیاکان، هواپرستی، شخصیت پرستی، خود کم بینی، خودبزرگ بینی و غیره باشد و اصولاً با لشکریان جهل مبارزه کند و پیروز میدان باشد^۵. چنین عقلی بر اساس واقع بینی و واقع گرایی قضاوت می کند.

ضرورت و اهمیت این تحقیق به وجود چنین نعمت خدادادی است که خالق بشر، کم و بیش در وجود تمام انسانها قرار داده - فصل تمایز بین انسان و حیوان نیز در واقع همین " عقل " است - و لازم است که این موضوع کاربردی، بیشتر در راه شناخت صحیح و سپس عمل درست در زندگی انسانها به خصوص مسلمانان به کار گرفته شود.

تحقیق حاضر این مسئله و موضوع پراهمیت را در نهج البلاغه، بیشتر به صورت موردی نشان می دهد. هرچند به جهت گستردگی ابعاد مختلف موضوعات عقلی - چه از جنبه نظری و چه از نظر عملی - در نهج البلاغه این کار به صورت کامل و بی نقص امکان پذیر نیست، ولی از طرفی به جهت نیاز کنونی جامعه و افراد آن به بازنگری نسبت به شناختها - به خصوص پیاده کردن اصول عقلی در زندگی که همگی همگام و همراه با اصول اسلامی هستند - این نیاز

۱- احادیث مربوط به این موارد در مبحث "عقل از دیدگاه روایات" مطرح می شوند.

۲- براساس تعریف بسیاری از فلاسفه در معنای اصطلاحی "عقل" این تعاریف آورده می شود.

۳- سوره اسراء آیه ۳۲. [۱]

۴- شهید مطهری. اسلام و مقتضیات زمان، ص ۵۹. [۸۲]

۵- اصول کافی ج ۱ ح ۱۴. [۶۸]